

مطالعه‌ای بر آثار و نقش آفرینی مظفرعلی، نقاش و طراح عصر صفوی

چکیده

شناخت هویت هنرمندان نقاش و طراح ایران از مسائل مهمی است که می‌تواند علاوه بر اهمیت یافتن جایگاه آنان به روشن‌تر شدن قسمت‌هایی از تاریخ هنر ایران کمک نماید. گرچه نگارگری صفویان از لحاظ فرهنگی، هنری و سبکی مورد توجه محققین قرار داشته، ولی جایگاه و نقش مظفرعلی که جوهر یک اثر هنری در قلم او نهفته کم‌تر مورد مطالعه قرار گرفته است. این هنرمند آثار بسیاری را در کتابخانه‌های مختلف دربار صفویان خلق کرده است که برجسته‌ترین آن مرقع امیرحسین بیگ است. این پژوهش به روش تاریخی - توصیفی و رویکرد تکنوگاری با پژوهش بر روی اسناد کتابخانه‌ای به شرح زندگی و تحلیل ساختار بصری آثار مظفرعلی پرداخته است. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که مظفرعلی علاوه بر نقاشی و تشعیر در سایر فنون خط و تصویر نیز استاد بوده و در گذار هنری، آموزه‌های سنت تصویر را به نسل هنرمندان بعد از خود انتقال داده است. طراحی صفحات مرقع منسوب به او به لحاظ هنری اثری ممتاز در بین مرقعات صفوی به‌شمار می‌آید. او نقاشی تأثیرگذار، طراحی خلاق و هنرمند برجسته عصر خویش بود و آثارش به‌ویژه مرقع او از شاهکارهای فاخر دوران است.

اهداف پژوهش:

۱. معرفی مظفرعلی و شناخت زمینه‌های فعالیت او در عصر صفوی.
۲. بررسی آثار و مرقعات مظفرعلی از منظر فرم و محتوا.

سؤالات پژوهش:

۱. مظفرعلی به‌عنوان هنرمند در چه زمینه‌هایی از خلق آثار تصویری در عصر صفوی فعالیت داشت؟
۲. آثار مظفرعلی در مرقعات، به‌خصوص مرقع امیرحسین بیگ، از منظر فرم و محتوا چه ویژگی‌هایی داشت؟

کلیدواژه‌ها: مظفرعلی، نقاشی صفوی، طراحی، مرقع امیرحسین بیگ.

مقدمه

در میان دوره‌های مختلف نگارگری، شاید بتوان گفت، دوره صفوی بیشترین منابع را درباره هنرمندان دارا است. کثرت منابع مکتوب تاریخی در این دوره و نیز آثار نقاشان، پژوهش در این زمینه را فراهم می‌نماید. از این رو، دسترسی به منابع موجود (کتاب‌های تاریخ، تذکره‌ها و مرقعات و...) اطلاعات قابل توجهی درباره هنرمندان نقاش و خوش‌نویس را فراهم کرده است. همچنین، آثار طراحی و نقاشی رقم‌دار، مطالعه درباره هنرمندان را ممکن ساخته است. نقاشان و استادان پیر و جوان در دوران صفوی به صورت گروهی فعالیت داشتند. در پژوهش‌های معاصر، کم‌تر مطالعه‌ای به هنرمندان به صورت مستقل پرداخته است و اطلاعات محدودی به صورت پراکنده از آن‌ها منتشر شده است. گرچه پیش‌تر برخی از پژوهشگران غیرایرانی به معرفی برخی از آنان پرداخته‌اند، ولی نیاز به شناخت جامع و بیشتر در این مورد ضروری است. مشخص شدن هویت هریک از نقاشان موجب شناخت و اهمیت هرچه بیشتر آثار آنان خواهد شد که می‌تواند به شناسایی سبک و دوران هنری نیز بینجامد. بیشتر آثار این نقاشان در مراکز و موزه‌های خارج از ایران به صورت پراکنده نگهداری می‌شود و دیدن این تصاویر در کنار هم موجب شناخت بهتر این آثار خواهد شد. این پژوهش تلاش دارد با بررسی آثار مظفرعلی به این امر دست یابد.

لازم به ذکر است مرقع منسوب به مظفرعلی تاکنون در منابع فارسی معرفی و بررسی نشده است. معرفی هنرمندان و نقاشان قدیم ایران چنان‌که درخور شأن آنان باشد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هرچه ابعاد آثار آنان بیشتر مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد زوایای آشکار و نهان ایشان روشن‌تر گشته و ارزش‌های هنرمندان و آثار آنان هرچه بیشتر آشکار می‌گردد. این تحقیق با رویکرد تکننگاری و تاریخی - توصیفی و به شیوه کتابخانه‌ای و مطالعه مستندات تاریخی انجام شده است. در این حوزه منابع انگلیسی‌زبان و فارسی به صورت گسترده‌ای وجود داشت و از کارهایی که انجام شد تهیه تصاویر آثار و نیز ارزیابی منابع دست‌اولی موثق مانند تذکره‌ها و مرقعات که زمان قابل توجهی را به خود اختصاص داد. همچنین، منابع و اسناد در کتابخانه‌ها و کتاب‌های معتبر خارجی در تحلیل و توصیف آثار نقش تأثیرگذاری داشت.

باتوجه به تصاویر مطلوبی که از منابع موجود به دست آمد با رویکرد کیفی به تحلیل ساختار بصری این نگاره‌ها پرداخته شد. از نخستین منابع معتبر ایرانی پژوهش مهدی بیانی، در کتاب احوال و آثار خوشنویسان است که در سال ۱۳۴۵ توسط دانشگاه تهران منتشر شد. وی به شرح حال مختصر مظفرعلی پرداخته و نمونه خط‌های او که در مرقعات رؤیت نموده را معرفی کرده است. از قابل توجه‌ترین پژوهش‌ها درباره مظفرعلی فارغ از هرگونه نقدی که پایه مطالعات بعدی نیز است، مطالعاتی است که استوارت کری ولش انجام داده است. او در جلد یک کتاب شاهنامه هوتون (تهماسبی) که در سال ۱۹۸۱ میلادی (۱۳۵۹ ه.ش) و از سوی دانشگاه هاروارد منتشر شد، به معرفی نقاشان شاهنامه و مظفرعلی پرداخته و مجموعه آثار بدون رقم این نقاش را نیز مشخص و معرفی نموده است. از کارهای دیگر انجام شده کتاب کاغذبری است که توسط یحیی ذکاء و در سال ۱۳۷۹ ه.ش انتشار یافت. در این کتاب ضمن معرفی استادان نقاش و خط‌بران مطرح در سده نهم و دهم ه.ق به معرفی مظفرعلی و آثار خط بری (قطاعی) او پرداخته است که کار بسیار ارزشمندی است. لازم به ذکر است این مطلب فاقد تصویر و نمونه آثار وی است. همچنین مطالبی در معرفی و آثار مظفرعلی به صورت پراکنده در خارج و داخل ذکر شده ولی مطلب جامع مستقلی یافت نمی‌شود. در مجموع پژوهش‌های محدودی در حوزه نگارگری با محوریت نقاش صورت گرفته است.

نتیجه‌گیری

مظفرعلی هنرمند دوره صفوی از همان ابتدا و جوانی در دربارهای مختلف صفویان به فعالیت پرداخته و به شکوفایی و اوج رسید. او از حمایت‌های شاه‌تیماسب و به‌ویژه برادر وی بهرام‌میرزا و فرزند او ابراهیم‌میرزا که از حامیان برجسته هنر و کتاب‌آرایی بودند، برخوردار بود. وی فنون و رموز هنر تصویر که از پیچیدگی و مهارت‌های خاص خود برخوردار است را از استادش بهزاد آموخت. او این مهارت‌ها را در عصر خود به‌کار بسته، ابتکاراتش را نیز همراه کرده و طی سال‌ها تجربه به پختگی رسید. بیشتر آثار مظفرعلی در شاهنامه، خمسه و نیز سایر آثارش جزء شاهکارهای نقاشی ایرانی و در نوع خود کم‌نظیر هستند. مظفرعلی علاوه بر هنرمندبودن استادی خیره و مخزن فنون و مهارت‌ها بود. او در گذار هنری فنون و مهارت‌ها را از دوره‌های پیشین به شاگردان بعد از خود منتقل نمود که مجموعه‌ای از آموزه‌های سنت تصویر و طرح و آرایه، حتی تفکر و جوهر این هنر که از سده هفتم الی دهم قمری از زمان ایلخانان تا عصر سلطان حسین بایقرا در هرات ادامه یافت را شامل می‌شود. آموزه‌های هنر تصویر توسط مظفرعلی، شاگرد بهزاد از کتابخانه‌ها و پایتخت‌های مختلف صفوی از تبریز و خراسان گرفته تا کتابخانه شاه‌اسماعیل دوم در قزوین امتداد می‌یابد. شاگرد مظفرعلی، صادقی‌بیگ، کتابدار شاه‌عباس در اصفهان در رساله‌ای به‌نام قانون‌الصور این آموزه‌ها را به رشته تحریر درآورده و موجب انتقال و امتداد این سنت هنر تصویر شد. مظفرعلی هنرمندی چندوجهی بوده و در کارهایش هفت اصل نقاشی را به‌کار می‌برده است. از نظر مفهوم هنرهای تجسمی با معنای امروزی، علاوه بر نقاش‌بودن، می‌توان او را جزء نخستین طراحان گرافیک به‌شمار آورد، زیرا او در خطاطی و شیوه‌های خطبری، تحریر خط، صفحه‌آرایی، طراحی جلد، تشعیر، تذهیب و افشان مهارت داشته و استادانه اجرا می‌کرد. طراحی که این هنرمند به‌ویژه در آرایه‌های حاشیه مرقع منسوب به خویش (مرقع امیرحسین‌بیگ) و نیز سایر نسخه‌ها به‌کار برد، موجب ارتقای کیفی مجموعه‌های مرقعات و دست‌نوشته‌های صفوی شد. باتوجه به دست‌نوشته‌های این دوره و مقایسه آثار نقاشی و حاشیه صفحات مرقعات صفوی کارهای مظفرعلی جز آثار ممتاز این دوره محسوب می‌گردد. آثار او خلاقانه و مختص زمانه خویش است و جزء درخشان‌ترین آثار طراحی، نقاشی و تصویر ایران است. مظفرعلی زیبایی‌شناسی دوران پیشین خود را با ذوق و نوآوری خویش درهم آمیخت، به‌گونه‌ای که اگر هر یک از کارهای وی در نسخه‌های این دوران را در نظر بگیریم، تمام ویژگی یک نگاره کلاسیک فاخر از نقاشی ایرانی را دارا است. او نقاشی و طراحی و خط را می‌شناخت و استادانه به‌کار می‌برد و موجب تحول در سنت هنرهای تصویر زمانه خود گردید. ترکیب‌بندی‌های بدیع او پیش‌تر سابقه نداشت، او گذشته را تکرار نکرد، بلکه بدان افزود و طرحی نو در انداخت. مظفرعلی در به‌وجودآوردن زیبایی‌شناسی نقاشی و طرح دوران صفوی که امروزه می‌شناسیم، نقش قابل توجهی داشت. کارهای ظریف او الگویی جاویدان از اوج نگاره‌های ایرانی به‌شمار می‌رود.

فهرست منابع و مآخذ:

- بیانی، مهدی. (۱۳۴۵). احوال و آثار خوشنویسان (نستعلیق‌نویسان). جلد ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- خزایی، محمد. (۱۳۹۸). هنر طراحی ایرانی اسلامی. تهران: انتشارات سمت.
- دانش‌پژوه، محمدتقی. (۱۳۵۹). مرقع‌سازی و جنگ‌نویسی. مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.
- ذکاء، یحیی. (۱۳۷۹). هنر کاغذبری در ایران. (قطاعی)، تهران: فرزانه.

راکسبرگ، دیوید جی. (۱۳۸۸). رفتار نابسامان، اف. آر. مارتین و مرقد بهرام میرزا. ترجمه: صالح طباطبایی، مجموعه مقالات نگارگری ایرانی اسلامی، تهران: فرهنگستان هنر.

رجبی، محمدعلی. (۱۳۸۴). شاهکارهای نگارگری ایران. تهران: موزه معاصر.

سودآور، ابوالعلا. (۱۳۸۰). هنر دربارهای ایران. ترجمه: ناهید شمیرانی، تهران: کارنگ.

سهیلی خوانساری، احمد. (۱۳۶۶). مقدمه، گلستان هنر. تهران: منوچهری.

صادقی بیگ افشار. (۱۳۷۳). قانون الصور، کتاب آرایه در تمدن اسلامی. نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

----- (۱۳۲۷). مجمع الخواص. به کوشش عبدالرسول خیامپور: تبریز.

قاضی احمد. (۱۳۶۶). گلستان هنر. به کوشش احمد سهیلی خوانساری. تهران: منوچهری.

کن بی، شیلا. (۱۳۸۶). عصر طلایی هنر ایران. ترجمه: حسن افشار، تهران: مرکز.

گواشانی هروی. دوست محمد. (۱۳۷۲). دیباچه موقع بهرام میرزا، کتاب آرایه در تمدن اسلامی. نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

مالک دیلمی. (۱۳۷۲). دیباچه مرقد امیرحسین بیگ، کتاب آرایه در تمدن اسلامی. نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

منشی قزوینی، بوداق. (۱۳۷۸). جواهر الاخبار. مقدمه تصحیح و تعلیقات محسن بهرام نژاد، تهران: میراث مکتوب.

----- (۱۳۸۸). «جواهر الاخبار، به کوشش کفایت کوشا». نامه بهارستان، سال دهم، دفتر ۱۵: ۱۲۰-۱۰۷.

منشی، اسکندربیک. (۱۳۵۱). تاریخ عالم آرای عباسی. به کوشش ایرج افشار، جلد ۱، تهران: امیرکبیر.

نویدی، شیرازی. (۱۹۷۴). دوحه الازهار. به کوشش: علی مینایی تبریزی، ابوالفضل رحیموف، مسکو: دانش.

وصفی، شمس الدین محمد. (۱۳۷۲). دیباچه مرقد شاه اسماعیل، کتاب آرایه در تمدن اسلامی. نجیب مایل هروی، مشهد: آستان قدس رضوی.

Bahari Ebadollah, B. (۱۹۹۶). Master of Persian Painting I.B Tauris Publication, London: New York.

Canby, R. S. (۱۹۹۹). The golden Age of Persian art. The Birtish Museum.

Canby, R. S. (۲۰۱۴). The Shahnama of Shah Tahmasp, NY Museum of Art Metropolitan.

Dickson & Welsh. (۱۹۸۱). The Houghton Shahnameh Vol: I & II, Harvard University.

Roxburg, D. J. (۲۰۰۵). The Persian Album ۱۴۰۰-۱۶۰۰. New Haven & London :Yale University Press.

Roxburg, D. J. (۲۰۰۱). Prefacing the Image. The Writing of Art History in Sixteenth- Century Iran, Boston: Brail.

Roxburg, D. J. (۱۹۹۶). A Dissertation in History of Art.

Simpson, Marianna, Shreve. (1997). Sultan Ibrahim Mirza, s Haft Awrang. Yale University & London.

Simpson, Marianna, Shreve. (1991). A Manuscript Made for the Safavid prince Bahram Mirza. Burlington Magazine 133(1991): 376-86

Soudavar, A. (1981). Reassessing Early Safavid Art and History Thirty-Five Years after Dickson & Welch 1981, Houston.

Thackston, W.M. (2001). Album prefaces and other Documents on the History of Calligraphers and Painters.

Thompson, J. & Canby, R. S. (2003). Hunt for Paradise Court Arts of Safavid Iran 1076-1001. NY: Asia Society Museum.

Welsh, S. C. (1979). Wonders of the Age, London: British Library.